

## جهان‌نمان

### نامه زربانو خانم

#### خطاب مجواهران ایرانی

[زربانو خانم عیال آقای دینشاه مولا میباشد که خود از فضیلت پارسی هند بوده و سابقاً در محکمه مالی بمبئی عضویت داشتند و حالا در همان محکمه از وکسلائی دعاوی میباشد.

زربانو خانم علاوه بر وسعت علم و فضیلت دارای حس ملیت و فصاحت و بلاغت نیز هستند و در اغلب انجمنها و مجلسها نطقهای مهیج میکنند. این مقاله را بزبان حکجراتی نوشته‌اند و آن را آقای پور داود مؤلف کتاب «ایران‌شاه» که معروف خوانندگان مجله هستند بفارسی ترجمه کرده‌اند.] (ایران‌شهر)

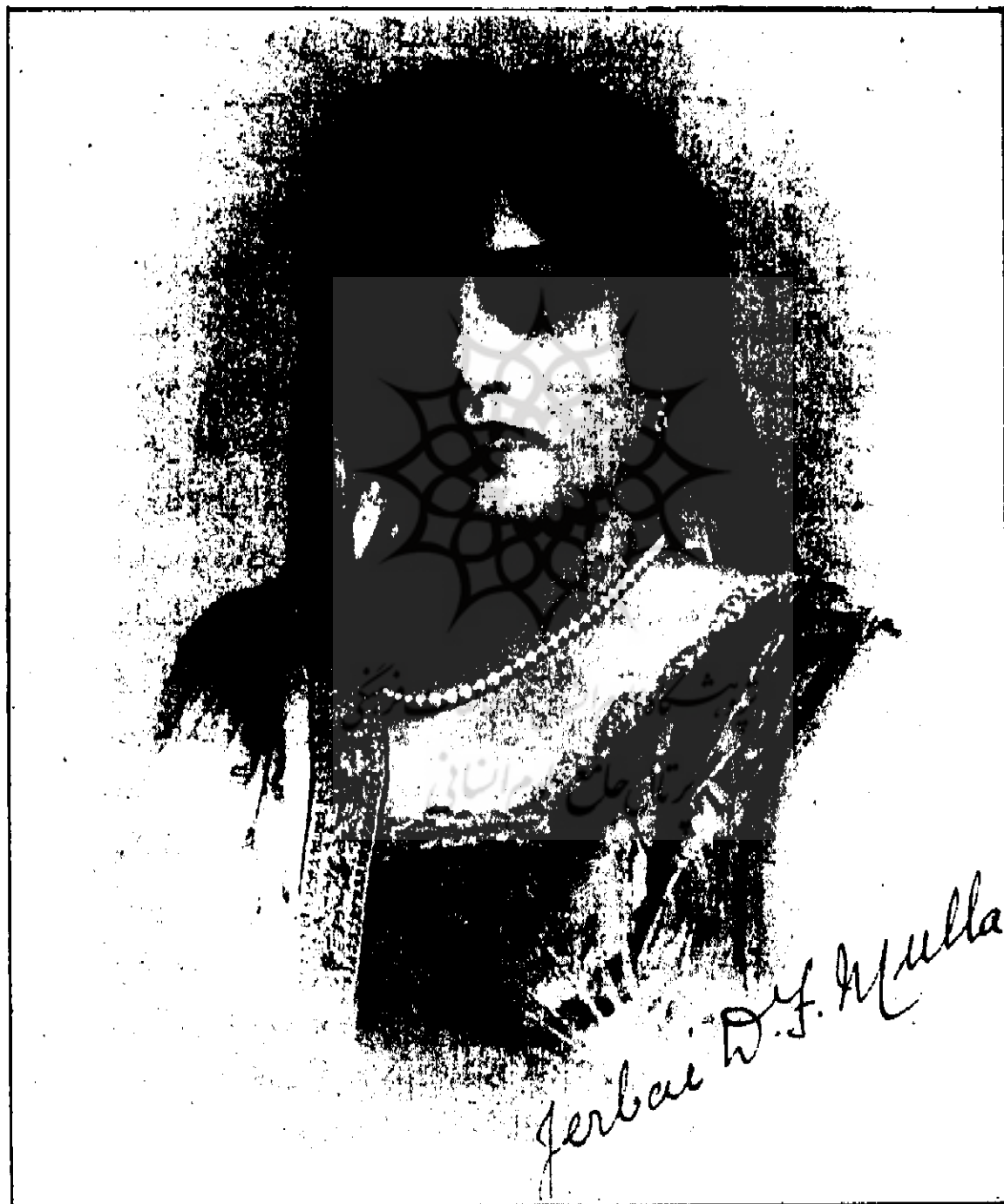
بخست خدمت همه خواهران یاک اخلاق ایران  
درود و سلام میفرستم.



غرض از نگارش این مقاله بخانمهای ایران  
درودی فرستادن و ضمناً آنان را بتکلیفی یاد  
آوری کردن است گرچه ما پارسیان هندوستان بیش از هزار  
سال است که از وطن اصلی خود ایران دور هستیم ولی هنوز  
در رگهای ما خون آن سرزمین جاری است و گاهگاه نیز شور  
وطن مقدس در دل ما افتاده ما را به بروز دادن حیات میکشاند.  
در این اوقات که اخبار ترقی ایران و بهبودی روزگار مردمان  
آن سامان بگوش میرسد لازم دانستم خواهران ایرانی خود را  
به دو نکته متوجه سازم. یکی از آن متعلق به ایران قدیم و دیگری  
مربوط به آینده آن است. در ایران قدیم زن دارای مقام ارجمندی  
بود و بحسب قوانین آوستای مقدس نیز میدانیم که در روزگاران  
گذشته زن جاه و منزلتی داشت و برخلاف امروز شخصیت او

منظور و در زندگانی اجتماعی با مردان شرکت مینمود. در کاتها که قسمتی از آوستاست و از سخنان فرخنده خود حضرت زرتشت است پیغمبر ایران در خصوص عروسی دخترش پوروچیست با خاماسب وزیر کی گشتاسب چنین فرماید: «تو ای جوانترین دختر زرتشت، ای پوروچیست! برو با خرد خویش مشورت کن و از روی دستور عقل و دانش نیکوترین اعمال پارسائی را بجای آور!» در چندین جای دیگر آوستا به مطالبی بر میخوریم که بخوبی دلیل مدعای ماست و صریحاً مقام بلند زن را در ایران قدیم می‌رساند. از آن جمله زن میتواند که بمقام قضاوت رسد و زن میتواند به رتبه پیشوای دینی نایل گردد. مختصراً با شواهد تاریخی و مذهبی علو درجه زن را در پارینه میتوان ثابت نمود. پس از شکست خوردن ایرانیان از عربها و پاشیده شدن تاج و تخت ساسانیان آداب و عادات آن سامان دگرگون شد و کم کم ره و رسم پیشین بواسطه تطلوول زمان و کشاکش دوران از یادها رفت. ما پارسیان نیز که از برای نگهداری آئین باستان به هندوستان پناه آوردیم، در مدت قرون متمادی چندان گرفتار حوادث جهان بودیم که آداب ملی خود را از دست دادیم تا اینکه در این قرون اخیر بواسطه تماس ما با اروپائیان و آزادی یافتن دگر باره بخود آمدیم، آنچه از کف داده باز جستیم. روح ایران در ما دمیده ییاد عهد دیرین جوهای نام و سرافرازی پیشین شدیم. ما پارسیان در این مملکت وسیع هندوستان اول کسانی هستیم که در بسط معارف و مکاتب کوشیدیم. «دادا باهائی نوروذجی» پارسی که او را پیر بزرگ هندوستان گویند و یک پارسی دیگر موسوم به سهراب شاپورجی بنگالی به معارف هند خدمات برارنده و شایان نمودند. هنوز هم عده‌ای از زنان پارسی در یک قسمتی از مدارس این ملک

سنت ریاست و معلمی دارند. اول زنی که در هندوستان طبیبه شد يك زن پارسی است و یكانه زنی که اکنون در این جا وکیل



زربانو خانم مولا از شاعهای فاضله پارسیان در بمبئی.  
Mrs Z. D. F. Mulla, one of the cultured  
Parsi Ladies of Bamby

است يك زن پارسی است.

غرض از این مطالب خودشنائی و یا خودنمائی نیست، بلکه میخواهم عرض کنم که ما زنان پارسی در خون و نژاد و دل و مغز با شما زنان ایران شرکت داریم. لیاقتی که امروز در زنان پارسی دیده می‌شود، در رگ و خونی است که با خود از ایران آورده‌اند.

بیاد دارم روزی زن یکی از راجاهای هندو بدن گفت این خدمات که از شما پارسیان نسبت بمعارف این خاک بروز کرد برای این است که ایرانی هستید اگر نه از زنان ما چنین خدماتی بر نمی‌آید. همین طوریکه ما زنان پارسی پس از فراغت یافتن دوباره فطرت جبلی خود را نشان می‌دهیم. شما خانمهای ایران نیز باید در این اوقاتی که ایران رو بترقی است بنمائید که از خون پاک آن سرزمین نامدار هستید و فقط گرفتاری و آسیب زمان چندی استعداد ذاتی شما را پوشیده داشت.

راست است ما بیش از هزار سال است که از وطن خود مهاجرت کرده‌ایم و از دیدن ناملاهیات مرز و بوم خود فارغ بوده‌ایم ولی بواسطه نوارینخ میدانیم که آن خاک در مدت قرون متمادی گرفتار چنگال قهر و غلبه بود. لاجرم با این همه گزند و مصائب بی‌دری کلیه استعداد و ذوق فطری در آن ملک خاموش شد، مانند مردگان آواز مردمان فرونشسته و غبار مسکنت صفحه تاریخ درخشان‌تان را پوشاند، ولی امروز که نسیم جانقزا وزیدن گرفت و خورشید بخت از پس ابر سیه درخشیدن آغاز نمود، بجا است که شما زنان مانند گل‌های بهاری سر از گریبان بدر کرده باغ و بستان وطن را دگر باره بیارائید، پس از لطمه خزان پدیدگر رنگ و بوی خوشی بجهان ایران بخشید. بیاد آورید

که شما زنان و دوشیزکان از همان نژادی هستید که روزی مادران عهد باستان در آغوش مهر خود شاهان نامدار مانند کی گشتاسب و نوشیروان پروریدند. بیاد آورید که زرتشت پیغمبر ایران و جاماسب حکیم در آغوش عشق و پارسائی مادران آن خاک پرورش یافتند. در شاهنامه میخوانیم که کرد آفرید و بانو کسب دو زن دلیر ایران قدیم مردانه در صف کارزار تورانیان داد دلاوری دادند. زنان پارسیان هیچ يك از خصایص زنان ایران کهن را از دست ندادند. در اوایل قرن سیزدهم میلادی زنان پارسی با مردان خود در جنگ معروف به «واریاو» در مقابل هندوان دلیرانه ایستادگی کردند، در میدان جانبازی و در مسافرت بدیار عدم شوهران و پسران و برادران و پدران خود را تنها نگذاشته با آنان شهید شدند. آغوشهای محبت شما خانمهای ایران نیز باید برای آینده فرزندان غیور و دلیر و نیک‌خو و پاک‌سرشت پرورد. تهیه و جمع‌آوری حامیان آن مرزوبوم باشماست؛ سرنوشت آینده ایران در آئینه سینه پر محبت شما نقش است؛ بلندی و پستی آن خاک در دست شماست. جهد کنید تا مایه رستگاری ایران شوید. خداوند ما زنان را برای این آفرید که در کارزار زندگانی دنیا مانند فرشتگان پشتیبان مردان خود باشیم، همواره آنان را در کار و کوشش دل دهیم؛ جهد کنید که شوهران خود را از تریاکا و قمار و آکل و دروغ بازدارید. امیدوارم که وطن مقدس ما از پرتو کوشش مردانه شما زنان کرد ذلت هزار ساله از چهره فرتوت خویش فرو شوید و جوانی از سر گرفته خاک کورش به اوج کمال رسد. با دود بیکران و نجات فراوان رستگاری ایران و سرافرازی زنان آن را از آهورامزدا خواستارم.

بمبئی — ۳۰ سپتامبر ۱۹۲۶ — زربانو دینشاه مولا